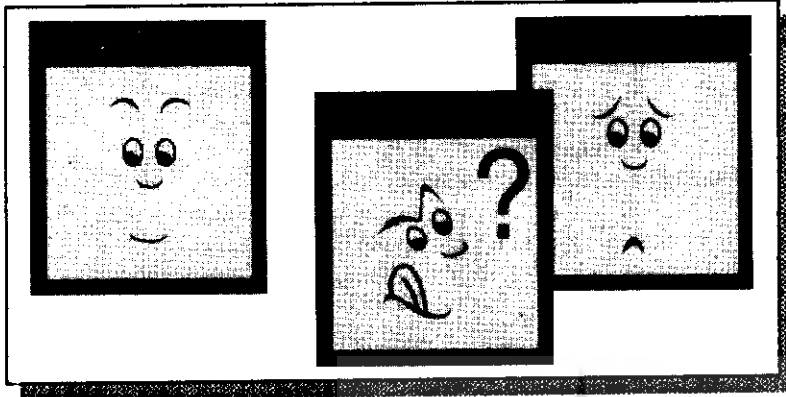


«لری کینگ» وطنی و طرح ساماندهی اقتصاد!

نوشته دکتر محمود پورشیرازی



چند شب پیش وقتی که تصادفاً به تماشای برنامه «شبکه اول» تلویزیون نشستم - دیدم آقای محسن طلائی با آقایان دکتر نوربخش و نجفی - رؤسای بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه، هر دو از گروه کارگزاران - در باره طرح ساماندهی اقتصاد مصاحبه و گفتگو می‌کند. حرکات دستها و سرعت صحبت کردن ونحوه گفتگوی این مصاحبه‌گر توجهم را جلب کرد و سبب شد مدتی به گفتگوها گوش فرادهم و بعد هم این سطور را قلمی کنم.

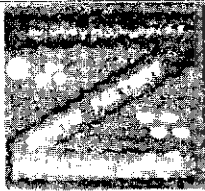
آقای محسن طلائی در وسط دو مصاحبه شونده جلوس کرده بود و در یمین ایشان آقای نجفی و در یسار ایشان آقای نوربخش نشسته بودند. ایشان برخلاف سایر مصاحبه‌کنندگان صدا و سیما (و همچنین مصاحبه‌کنندگان مطبوعات کشورمان) حالت فردی را نداشت که از چند «فاز» پایین‌تر با «آقایانی» در چند «فاز» بالاتر گفتگو و مصاحبه کند و مثلاً بپرسد: «لطفاً نظر حضرت‌تعالی درباره این موضوع چیست؟» و یا «آیا جنابعالی هم همین نظر را دارید؟»

این نوع مصاحبه و گفتگو رابطه «ارباب و رعیتی» را تداعی می‌کند. خبرنگار در نقش رعیت ظاهر می‌شود و حد و حدود خود را خوب می‌داند، دقیقاً آگاه است و در طول تاریخ از پدر و اجداد خود آموخته است که چه سؤالاتی را مطرح کند. کدام سؤالاها به وی مربوط است و کجا او پای خود را از دایره نزاکت و ادب بیرون نهاده است - و عواقب این کار را نیز می‌داند!

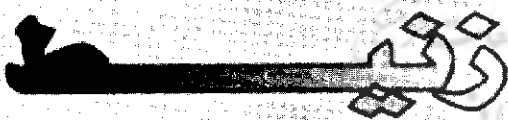
این که خبرنگار، روزنامه‌نویس و یا مصاحبه‌گر خود را در سطح مصاحبه‌شوندگانش احساس کند و از آنان مطالبی را بپرسد که «بوی» بررسی و «تفتیش» را بدهد و این که خبرنگار در مورد موضوع مورد بحث و مصاحبه بیشتر از مصاحبه‌شونده آگاهی و اشراف داشته باشد، مربوط به مراحل تکامل بعدی جوامع بشری است که در آن نیروهای مولده سبب شده تا مرحله

ارباب و رعیتی پشت سر گذاشته شود و مردم سالاری برقرار گردد، مطبوعات آزاد به صحنه بیایند و این مطبوعات آزاد خود ضامن آزادی در جامعه باشند. در چنین شرایطی خبرنگاران ارزشمند هستند. هر یک از آنان درحالی که از مردم عادی محسوب می‌شوند، خود را از وزیران و سایر مسؤولین مملکت کمتر نمی‌دانند و درعمل نقش بازرس، مفتش و قاضی را برعهده می‌گیرند که همین امر آنان را وادار به مداخله در هر کاری می‌کند. نمونه عالی آن «واترگیت» است.

آقای محسن طلائی سعی داشت نقش چنین مصاحبه‌گری را ایفا کند و چون «لری کینگ» مصاحبه‌گر سرشناس تلویزیون «سی.ان.ان» نه



کارخانه قوطی سازی



تولید کننده انواع قوطی‌های شیمیایی

مدیریت فتح الهی

خیابان شریعی - سه راه طالقانی - خیابان خواجه نصیر طوسی

ساخته ۲۷۳ - طبقه دوم - شماره ۵

تلفن دفتر: ۷۵۳۹۱۵۵ فاکس: ۷۵۲۷۷۹۷

تلفن کارخانه: ۵۵۰۰۳۱

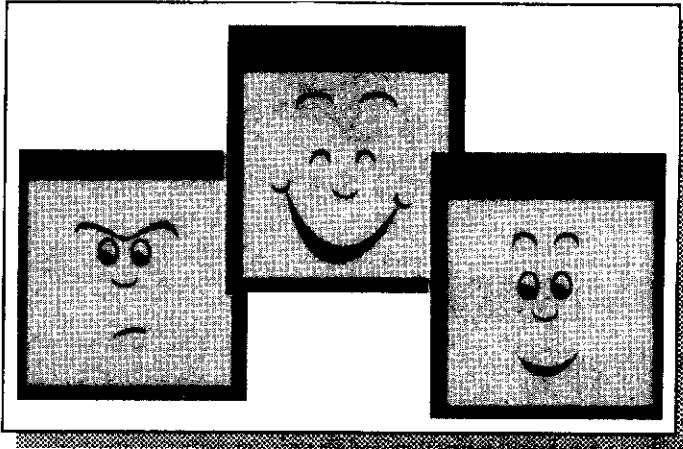
فقط تسلط خود را به موضوع مورد بحث نشان دهد، بلکه از مصاحبه‌شوندگان خود نیز برای شرکت در بحث و گفتگو دعوت کند. مصاحبه‌شونده نظرش را در مورد یک موضوع بگوید و کمک به روشن شدن مسأله بکند. با وجود این که آقای محسن طلایی سعی داشت القاء کند که همانند مصاحبه‌گر معروف امریکایی مرحله «آرباب و رعیتی» را پشت سر نهاده و به طور مستقل مصاحبه می‌کند، اما تفاوت‌های ذیل بین کار او و کار آن مصاحبه‌گر کاملاً مشهود بود.

۱- آقای لری کینگ یک روزنامه نگار و مصاحبه‌گر مستقل است که شغل وی خبرنگاری، مصاحبه‌گری و احياناً دبیری بخش سیاسی سی.ان.ان است، نه مثل آقای طلایی که خود از مقامات مسؤول، و از دوستان و نزدیکان مصاحبه شونده‌گان است (و لابد کارگزاری است از گروه کارگزاران!).

۲- آقای لری کینگ وقتی مسائل بحث‌انگیز را مطرح می‌کند، از نظریات افراد مختلف بهره می‌گیرد. مثلاً وقتی یک مسؤول که از حزب دمکرات است از «دیده» و اقدام خود دفاع می‌کند، آن‌گاه لری کینگ نظر یک نماینده وارد و مطلع حزب جمهوریخواه را که مخالف این نظر و اقدام است، جویا می‌شود. و یا در موضوعی نظرات متفاوت را از کارشناسان مربوطه از اقصی نقاط امریکا جمع می‌کند و در اختیار بینندگان خود قرار می‌دهد.

در میزگرد آقای طلایی، آقایان نوربخش و نجفی هر دو از یک جناح هستند و در مورد طرح ساماندهی نیز با یکدیگر اختلافی ندارند. در عمل نیز هر یک از آنان نظر دیگری را تأیید می‌کرد! اگر آقای طلایی واقعاً می‌خواست همچون آقای «لری کینگ» مناظره‌اش جدی و واقع‌بینانه باشد باید همراه با آقایان نوربخش و نجفی چند نفر از مخالفین طرح ساماندهی را دعوت می‌کرد تا آنان به جای این که نظریات خود را در رادیوی بی‌بی‌سی مطرح کنند در سیمای جمهوری اسلامی برای مردم خودمان طرح می‌کردند!

۳- بحث را به سطح بالا بردن و بیننده را با الفاظ و معانی و تدابیر جدید و یا اصطلاحات یک علم آشنا کردن، جز وظایف شایسته مصاحبه‌گر و روزنامه‌نگار است، اما جملاتی را بیچیده ادا کردن و مطالب را با سرعت به نحوی ارائه دادن که بیننده از آن سر درنیآورد، هنر نیست. نظیر این



جمله (نقل به مضمون):

«حالا که ما در باره منابع داخلی تامین مالی برای سرمایه‌گذاری‌های ضروری بحث کردیم باید پیردازیم به بررسی منابع خارجی که می‌تواند تولید ناخالص داخلی را افزایش دهد.»

حتی اگر یکی از شرکت‌کنندگان در مصاحبه چنین جمله‌ای را بیان می‌کرد، وظیفه مصاحبه‌گر بود که برای تماشاگرانی که عموماً اطلاعات زیادی راجع به «منابع تامین مالی» داخلی و خارجی ندارند و یا نمی‌دانند «تولید ناخالص داخلی» چه مفهومی دارد، این اصطلاحات را شرح می‌داد و بعد باتوجه به مبالغه‌های هنگفتی که دولت ایران از خارج وام گرفته است، از رئیس بانک مرکزی یا رئیس سازمان برنامه و بودجه استفسار می‌کرد که منظور از «منابع تامین مالی خارجی» چیست؟

- آیا منظور جلب و جذب سرمایه‌های خارجی‌ان برای سرمایه‌گذاری در کشور در شرایط کنونی است؟

- آیا منظور جلب و جذب سرمایه‌های ایرانیان مقیم خارج برای سرمایه‌گذاری در کشور است؟

- آیا منظور گرفتن و با «شرایط خاص» از بانک جهانی است؟

- آیا منظور وام گرفتن از شرکتها یا کشورهای خارجی است؟

- و یا مقصود از جلب سرمایه‌های خارجی‌ان،

گرفتن «بیزانس» (خرید نسبه) و «فاینانس» (خرید اعتباری) است؟ وقتی رئیس بانک مرکزی با لهجه شیرین اصفهانی خود مستکلم‌الوحده می‌شود و داد سخن می‌راند که می‌توان با «بیع متقابل» مبالغ

کلانی سرمایه‌های خارجی را جذب کرد، این آقای مصاحبه‌گر باهوش نمی‌برد که وقتی در طول پانزده سال گذشته با تمام کوششها نتوانسته‌ایم حتی یک قرارداد «بیع متقابل» منعقد کنیم (غیر از چند قرارداد نفتی که آن هم جایش فرق می‌کند)، چگونه می‌توانیم بدون مشکلات و به سادگی سرمایه‌های خارجی را به صورت «بای بک» جذب کنیم؟! مگر سرمایه‌ها پشت مرزهای کشور صف کشیده‌اند که فقط لازم باشد ما به آنها اجازه ورود دهیم و به صاحبانشان بگوییم، هر یک در چه رشته از صنایع و به چه میزان مشارکت کنند؟! مصاحبه‌گری که دوران «آرباب و رعیتی» را پشت سر گذاشته و سعی دارد مستقل عمل کند، در هنگام مصاحبه خود را جزء مقامات نمی‌داند و می‌کوشد که مقامات را با حقایق روبرو کند و کارنامه اعمالشان را نشانشان دهد، و نه این که زمینه را برای طرح وعده‌های جدیدی فراهم سازد!

دستر خدمات مسافرت هوانی و جهانگردی
Travel & Tourism Agency

TABAN **تابان**

• نماینده فروش بلیط هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران و کلیه خطوط بین‌المللی و داخلی • فقط با یک تلفن بلیط درب منزل و محل کار شما با سرویس رایگان تحویل می‌شود • تور سوریه با محور رسمی از سازمان حج و زیارت (زمینی و هوایی) • برگزاری تور به تمام نقاط دنیا • بلیط و تور کیش همه روزه • تور مشهد همه روزه • اخذ ویزای دبلی، شنگاره • اخذ ویزای کشورهای مشترک المنافع (توروی سابق) • اخذ ویزای ایران برای مصلحان خارجی شما

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، بین چهارراه پیروز و جمالزاده، شماره ۷۰، صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۸۴۳۷
تلفن و فاکس: ۹۳۱۶۱۷ - ۹۳۱۱۵۱ - ۲۶ و ۴۴۳۳۲۵ - ۴۰، ۶۴۳۳۲۹
عنوان تلگراف: ۳۶۷ تهران (موبایل: ۰۹۱۱۲۱۵۵۵۷۴)